فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله پژوهشی
سال نوزدهم، شماره چهارم (پیاپی۴۶)، زمستان ۱۴۰۵، صص. ۱-۳۶

تحلیل احتجاج خط‌مشی‌های سنجش و پذیرش دانشجو: بازتعریف مسأله و ارائه پیشنهادیه خط‌مشی

محمدصادق تراب‌زاده جهرمی *
رضا علی‌اکبر **
سید علیرضا سجادیه ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

چکیده

نظام سنجش و پذیرش دانشجو یکی از مهم‌ترین ابزارهای خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی است که آثار آن فراتر از فرایند ورود به دانشگاه، بر جهت‌گیری نظام آموزش عمومی، رفتار بازیگران آموزشی و کیفیت سرمایه انسانی کشور نیز تأثیر می‌گذارد. با وجود اصلاحات متعدد در دهه‌های اخیر، چالش‌های این نظام همچنان پابرجاست و نشان‌دهنده ضرورت بازاندیشی در منطق حاکم بر آن است. این مقاله با هدف تحلیل انتقادی الگوی کنونی سنجش و پذیرش و ارائه چارچوبی برای بازطراحی آن، از رویکرد تحلیل احتجاج در پژوهش‌های خط‌مشی بهره می‌گیرد و با تحلیل اسناد، مطالعات پیشین و تجارب بین‌المللی، استدلال‌های موافق و مخالف الگوهای مختلف را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حل مسائل موجود نیازمند عبور از اصلاحات محدود و حرکت به سوی الگویی منسجم، چندسطحی و مبتنی بر شایستگی است که بتواند میان اهداف نظام آموزشی، نیازهای آموزش عالی و الزامات حکمرانی آموزشی هماهنگی ایجاد کند. بر این اساس، مقاله دلالت‌هایی برای بازطراحی خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

کنکور؛ نظام سنجش و پذیرش دانشجو؛ شایستگی؛ تحلیل احتجاج؛ دانشگاه.

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. تهران. ایران. (نویسنده مسئول)
Torabzadeh@isu.ac.ir
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
r.aliakbar@isu.ac.ir
*** استادیار، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
ar.sajadieh@ut.ac.ir

مقدمه

اکنون که بیش از ۵ دهه از توجه نظام خط‌مشی‌گذاری کشور به مسأله کنکور تحت‌عنوان «جذب و پذیرش دانشجو» می‌گذرد، شاهد انواع تغییرات در این حوزه بوده‌ایم. گاهی عدم تمرکز را پاسخ دانسته‌ایم، گاهی ایجاد سهمیه‌ها را و گاهی توسعه ظرفیت دانشگاه‌ها را گاهی دقت بر استانداردسازی سؤالات را و گاهی حذف کنکور از مسیر افزایش ضریب تأثیر معدل و سابقه تحصیلی را به‌عنوان راه‌حل طرح کرده‌ایم. در این میان نیز، نهادهای مسئول در جستجوی مقصر، گاهی آموزش‌وپرورش، گاهی سازمان سنجش، وزارت علوم و دانشگاه‌ها، گاهی خانواده‌ها و گاهی صنعت کمک‌آموزشی را به‌عنوان مانع اصلاح وضعیت موجود دانسته‌اند.

آموزش عالی در ایران، هنوز یکی از مهم‌ترین سازوکارهای توزیع فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و شغلی محسوب شده و برای بخش گسترده‌ای از جامعه، ورود به دانشگاه‌های برتر کشور، همچنان مطمئن‌ترین مسیر دستیابی به منزلت اجتماعی، اشتغال پایدار و ارتقای کیفیت زندگی تلقی می‌شود (فتح‌تبارفیروزجائی و محمدی‌پویا، ۱۴۰۳، ص. ۹۳). ازاین‌رو، کارکرد نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی، صرف انتخاب فنی داوطلبان برای ورود به دانشگاه نیست، بلکه در عمل درباره نحوه توزیع یکی از کمیاب‌ترین و حیاتی‌ترین فرصت‌های تحصیلی - شغلی کشور تصمیم‌گیری می‌کند (موسوی، اسدپور و سوزنچی‌کاشانی، ۱۴۰۳، ص. ۲۱). اهمیت خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو به علت تقاضای فزاینده‌ای که برای موفقیت در فرآیند ورود به دانشگاه وجود دارد، به آموزش عالی محدود نمی‌شود و بر اهداف، برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و الگوهای یادگیری در مدارس نیز اثرات مخربی گذاشته است (حج‌فروش، ۱۳۸۳، ص. ۲). در نتیجه، بسیاری از برنامه‌های تحول‌خواهانه آموزش‌وپرورش با دغدغه‌هایی چون تربیت متوازن، پرورش شایستگی‌های متنوع، مهارت‌آموزی، استعدادیابی و رشد خلاقیت، در عمل تحت‌الشعاع الزامات ناشی از رقابت برای قبولی در نظام سنجش قرار گرفته‌اند (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۳). در حقیقت بخش قابل توجهی از ظرفیت کلان نظام آموزش‌وپرورش به‌جای تحقق اهداف غایی سند تحول

بنیادین، صرف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای عبور از فرایند سنجش آموزش عالی می‌شود.

بر این اساس، نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی، به یکی از پایدارترین و چالش‌برانگیزترین مسائل خط‌مشی‌گذاری آموزشی کشور تبدیل شده است (کاوه‌ئی و باقی‌یزدل، ۱۳۹۳، ص. ۷۲). مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که ساختار حاکم بر این خط‌مشی، پیامدهای مخرب متعددی را برای نهاد آموزش و جامعه به همراه داشته است. حافظه‌محوری و غلبه تفکر مکانیکی بر فرآیند یادگیری عمیق (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۴)، گسترش بی‌رویه صنعت کمک‌آموزشی و تضعیف عدالت آموزشی در لایه‌های مختلف جامعه (عسگری، کارشکی و مهرام، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۴)، افزایش فشارهای روانی مفرط بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها (معتمدی، ۱۳۸۵، ص. ۵۷) و تبدیل شدن فرآیند سنجش به یکی از آزمون‌های اضطراب‌آور و سرنوشت‌ساز کشور (موسوی، اسدپور و سوزنچ‌کاشانی، ۱۴۰۳، ص. ۲۱)، تنها بخشی از پیامدهایی است که در پژوهش‌های مختلف گزارش شده است. به همین دلیل، نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی را نمی‌توان صرفاً یک مسأله فنی – آموزشی دانست، بلکه این نظام به یک مسأله پیچیده در خط‌مشی‌گذاری عمومی تبدیل شده است که ذی‌نفعان متعدد و گاه متعارضی را درگیر خود کرده است.

خط‌مشی‌گذاران کشور نیز در دهه‌های گذشته بارها کوشیده‌اند با اصلاح سازوکارهای سنجش و پذیرش، پیامدهای نامطلوب آن را کاهش دهند. از سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تأسیس شد، الگوهای مختلفی برای پذیرش دانشجو تجربه شده است؛ از پذیرش غیرمتمرکز توسط دانشگاه‌ها تا استقرار آزمون سراسری، افزایش ظرفیت آموزش عالی، اعمال سهمیه‌ها، استفاده از سوابق تحصیلی و اصلاح ساختار آزمون سراسری. در سال‌های اخیر نیز با تصویب «سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی» در شورای عالی انقلاب فرهنگی، سهم سوابق تحصیلی به تدریج افزایش یافته و نظام سنجش از الگوی کنکورمحور به الگوی ترکیبی متشکل از آزمون سراسری و آزمون‌های نهایی تغییر یافته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۱). با این حال، برخی از کارشناسان معتقدند این مصوبه نیز با تهیه پاسخی درست برای مسأله‌ای

غلط، از حل مشکلات زیربنایی نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی عاجز مانده است. تداوم اختلاف‌نظر بنیادین میان خط‌مشی‌گذاران، دانشگاه‌ها، آموزش‌وپرورش و خانواده‌ها نشان می‌دهد که اصلاح خط‌مشی سنجش و پذیرش همچنان یکی از مسائل حل‌نشده و کلاف‌های سردرگم نظام آموزشی کشور است.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده، بر ارزیابی آسیب‌های آموزشی و ساختاری گزینش متمرکز (عسگری، کارشکی و مهرام، ۱۳۹۷؛ سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶)، سنجش چالش‌های عدالت آموزشی (حج‌فروش، ۱۳۸۳) یا بررسی پیامدهای روان‌شناختی این فرآیند بر خانواده‌ها (معتمدی، ۱۳۸۵) تمرکز داشته‌اند. در مقابل، پژوهش‌های پیشین کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که مسأله نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی اساساً چگونه در فرایند خط‌مشی‌گذاری کشور تعریف و صورت‌بندی شده است. این درحالی است که در ادبیات تحلیل خط‌مشی، نحوه صورت‌بندی و ساختاربندی مسأله، نقطه آغاز و حیاتی‌ترین گام در خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود و تعریف‌های متفاوت از یک مسأله، می‌توانند اهداف، ذی‌نفعان، معیارهای موفقیت و در نهایت راه‌حل‌های متفاوتی را به دنبال داشته باشند (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۳). ازاین‌رو، پیش از ارزشیابی هر خط‌مشی یا پیشنهاد هرگونه اصلاح، رسیدن به تعریفی درست از مسأله جوهری نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی در ایران ضروری به نظر می‌رسد.

بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، تحلیل انتقادی و شفاف‌سازی صورت‌بندی‌های مختلف از مسأله نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی در ایران است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل خط‌مشی و روش شفاف‌سازی احتجاجات، می‌کوشد استدلال‌ها، پیش‌فرض‌ها و مبانی نظری نهفته در تعاریف مختلف از این مسأله را واکاوی کند و نشان دهد که هر صورت‌بندی چگونه مجموعه‌ای متفاوت از راه‌حل‌های سیاستی را تولید می‌کند. به‌طور مشخص، این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که: «مسأله ساختاری خط‌مشی سنجش و پذیرش در ایران در بستر تحولات اخیر (کنکور و آزمون‌های نهایی) چگونه صورت‌بندی شده و بر اساس کالبدشکافی استدلال‌های موجود، چه مدل بدیلی برای آن قابل طراحی است؟». انتظار می‌رود نتایج

این پژوهش بتواند علاوه بر غنای ادبیات خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی، مبنایی برای بازاندیشی بنیادین در اصلاحات آینده نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی کشور فراهم آورد.

۱. پیشینه پژوهش

تحلیل و ارزیابی چرخه خط‌مشی‌گذاری در حوزه سنجش و پذیرش دانشجو، نیازمند واکاوی دقیق و دسته‌بندی مطالعاتی است که تاکنون ابعاد مختلف این پدیده را مورد مداقه قرار داده‌اند. پدیده کنکور و امتحانات نهایی به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مسائل خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران، از زوایای گوناگونی نظیر پیامدهای آموزشی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و ساختار حکمرانی توسط پژوهشگران داخلی و نهادهای نظارتی و حاکمیتی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور فهم دقیق‌تر جهت‌گیری این پژوهش‌ها و شناسایی چالش‌های کلان مطرح‌شده در آنها، مطالعات و گزارش‌های راهبردی شاخص در این حوزه واکاوی و در سه طبقه «پژوهش‌های تحلیل خط‌مشی، ساختار حکمرانی و تعارضات نهادی»، «پژوهش‌های آسیب‌شناسی چندسطحی و پیامدهای ساختاری» و «مطالعات تطبیقی و گزارش‌های راهبردی – نظارتی حاکمیت» دسته‌بندی شده‌اند که جزئیات تحلیلی آن در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

جدول (۱): طبقه‌بندی پیشینه پژوهش

طبقه‌بندی پژوهش ها	نام نویسندگان و مشخصات دقیق نشر	عنوان مقاله / گزارش راهبردی	روش‌شناسی تحقیق	خلاصه و جهت‌گیری اصلی پژوهش (در دو خط)
پژوهش‌های تحلیل خط‌مشی، ساختار حکمرانی و تعارضات نهادی	اسدپور، مجید و موسوی، سیدجلال (۱۴۰۳). نشریه نامه آموزش عالی، سال ۱۷، شماره ۶۸.	راهکارهای دستیابی به حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو	کیفی (تحلیل مضمون و دلفی)	این مقاله به واکاوی الگوهای بازآفرینی ساختار تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو پرداخته و راهکارهای عبور از تعارض منافع

طبقه‌بندی پژوهش ها	نام نویسندگان و مشخصات دقیق نشر	عنوان مقاله / گزارش راهبردی	روش‌شناسی تحقیق	خلاصه و جهت‌گیری اصلی پژوهش (در دو خط)
				سازمانی را از طریق حکمرانی شبکه‌ای تبیین می‌کند.
	فتحی، جعفر (۱۳۹۸). مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۵، شماره ۱.	تحلیل خط‌مشی‌گذاری نظام سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی ایران	توصیفی – تحلیلی (اسنادی)	نویسندگان فرآیند ریل‌گذاری چرخه خط‌مشی پذیرش را از منظر اسناد بالادستی تحلیل کرده و نشان می‌دهند که شکست قوانین گذشته ناشی از نگاه ابزاری و فنی به سنجش بوده است.
پژوهش‌های آسیب‌شناسی چندسطحی و پیامدهای ساختاری	موسوی، سیدجلال؛ اسدپور، مجید و سوزنچی‌کاشانی، ابراهیم (۱۴۰۲). مجله آموزش عالی ایران، سال ۱۵، شماره ۳.	شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و دانشگاه	کیفی (پدیدارشناسی / تمپلیت)	این پژوهش آثار مخرب مدل‌های سنجش متمرکز را در سه سطح کالبدشکافی کرده و نشان می‌دهد که چگونه تفکر حافظه‌محور، کارکرد تربیتی

طبقه‌بندی پژوهش ها	نام نویسندگان و مشخصات دقیق نشر	عنوان مقاله / گزارش راهبردی	روش‌شناسی تحقیق	خلاصه و جهت‌گیری اصلی پژوهش (در دو خط)
				مدرسه و کیفیت علمی دانشگاه را به انحراف می‌کشاند.
	فتح‌تبارفیروزجائی، کاظم و محمدی‌پویا، سهراب (۱۴۰۳). پژوهش در روش‌های آموزش	تبیین آسیب‌های حوزه سنجش و پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران	آمیخته (کیفی – کمّی)	تحقیق فوق با تبیین جامع آسیب‌های ساختاری کنکور، اثبات می‌کند که مدل تفکیک داوطلبان بر اساس مهارت‌های مکانیکی تست‌زنی، منجر به افت شدید انگیزه تحصیلی در دوره متوسطه شده است.
مطالعات تطبیقی و گزارش‌های راهبردی – نظارتی حاکمیت (مرکز	فتح‌تبارفیروزجائی، کاظم؛ شجاعتی، علی؛ شهرام، ایمان و خادمی، فاطمه (۱۴۰۰). نشریه پژوهش‌های تربیتی، شماره ۴۲.	آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور ... و ارائه راهکار جهت بهبود الگو (مطالعه تطبیقی)	تطبیقی (بررسی فراملی)	این مقاله با بررسی نظام‌های سنجش در کشورهای پیشرو، نشان می‌دهد مدل‌های موفق جهان، فرآیند

طبقه‌بندی پژوهش ها	نام نویسندگان و مشخصات دقیق نشر	عنوان مقاله / گزارش راهبردی	روش‌شناسی تحقیق	خلاصه و جهت‌گیری اصلی پژوهش (در دو خط)
پژوهش‌های مجلس)				غربالگری را از قالب یک آزمون تکی صنعتی به سمت بسته‌های فراداده‌ای شایستگی سوق داده‌اند.
	دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ (۱۳۹۹). گزارش راهبردی مرکز پژوهش‌های مجلس.	بررسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران	تحلیل خط‌مشی و نظارتی	این گزارش به ریشه‌یابی ابعاد درونی و بیرونی ناکارآمدی نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی ازجمله سیگنال‌های غلط بازار کار و ضعف ابزارهای ارزیابی پرداخته است.
	دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ (۱۴۰۴). گزارش راهبردی مرکز پژوهش‌های مجلس.	ضرورت احیای نقش و جایگاه شورای سنجش و پذیرش دانشجو در فرایند تصمیم‌گیری کنکور سراسری	تحلیل راهبردی	این گزارش به بررسی ضرورت احیای نقش و جایگاه «شورای سنجش و پذیرش دانشجو» در فرآیند

طبقه‌بندی پژوهش ها	نام نویسندگان و مشخصات دقیق نشر	عنوان مقاله / گزارش راهبردی	روش‌شناسی تحقیق	خلاصه و جهت‌گیری اصلی پژوهش (در دو خط)
				تصمیم‌گیری برای رفع تشتت حاکم و تعارضات نهادی می‌پردازد.
	دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ (۱۳۹۸). گزارش بنیادی مرکز پژوهش‌های مجلس.	روش‌های سنجش و پذیرش دانشجو در جهان ۱. الگوها و مدل‌ها	مطالعه تطبیقی (اسنادی)	این گزارش با واکاوی فرآیندهای فراملی، نظام‌های گزینش دنیا را به ۱۷ مدل فرآیندی افراز کرده و بر لزوم تکثر معیارهای پذیرش (شرح‌حال، تقاضانامه، سوابق) تأکید دارد.

منبع: یافته‌های تحقیق

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات در تعاریف رایج از مسأله نظام سنجش و پذیرش محصور شده‌اند و هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها وارد قلمروی «کالبدشکافی ساختار احتجاج نسخه‌های بدیل خط‌مشی و بازتعریف مسأله نظام سنجش و پذیرش دانشجو» نشده‌اند. پژوهش حاضر با پر کردن این خلأ، تلاش می‌کند تا با شفاف‌سازی استدلال‌های پشت هر سناریو، اثبات کند که چرا مصوبه اخیر و سایر تلاش‌های تحول‌خواهانه در این حوزه با وجود تغییر مکرر ابزارها، همچنان قادر به حل

مشکلات بنیادین نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی نیستند و از این رهگذر به بازتعریف مسأله و ارائه پیشنهادیه خط‌مشی جدیدی برای نظام سنجش و پذیرش دانشجو دست پیدا کنیم.

۱-۱. تاریخچه و بدیل‌های خط‌مشی

دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و تا به امروز، نظام سنجش و پذیرش دانشجو دستخوش تحولات بسیاری بوده است و خط‌مشی‌های متنوعی را درباره نهادهای متولی و چگونگی سنجش و پذیرش دانشجو امتحان کرده است. تا حدود سال ۱۳۴۸، سنجش و پذیرش دانشجو به صورت غیرمتمرکز توسط دانشگاه‌های سراسر کشور انجام می‌شد تا اینکه به علت تبعیض در رفتار، عمل سلیقه‌ای، استاندارد نبودن سؤالات و بی‌عدالتی گسترده‌ای که در این روش مشاهده می‌شد، نظام آموزشی کشور به سمت برگزاری آزمون متمرکز و سراسری متمایل شد. البته در سال‌هایی دوباره سوابق تحصیلی و معدل امتحانات نهایی معیار اصلی قرار گرفت اما به علت قابل مقایسه نبودن نمرات آزمون‌ها، در سال ۱۳۶۱، بار دیگر کنکور را تنها راه چاره یافتیم. بعد از مشاهده آسیب‌های فراوان کنکور، تلاش زیادی برای حذف کنکور و جایگزینی آن با سوابق تحصیلی متوسطه دوم گردید؛ برای مثال در سال ۱۳۸۶ قانون حذف کنکور و جایگزینی آن با معدل تصویب شد و فرصت ۵ ساله‌ای را برای این قانون در نظر گرفتند (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶). زمانی که فرصت ۵ ساله تمام شد و مشاهده کردند که توان اصلاح کنکور را ندارند، فرصت ۵ ساله دیگری را در نظر گرفتند تا تأثیر سوابق تحصیلی به ۸۵ درصد افزایش پیدا کند اما باز هم با شکست مواجه شد. در سال ۹۸ نیز، مصوب شد تا میزان تأثیر سوابق تحصیلی، حداکثر ۳۰ درصد و با تأثیر مثبت محاسبه گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹، ص. ۲؛ موسوی و دیگران، ۱۴۰۳، ص. ۲۲). این شکست‌های خط‌مشی‌گذاری، نشان‌دهنده علائمی است که می‌تواند در تعریف غلط از مسأله کنکور در نهادهای متولی نهفته باشد.

۲-۱. ملاک‌ها و روش‌های عمده پذیرش دانشجو در جهان

در کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط اجتماعی و نظام سیاسی – اداری متفاوت، نظام‌های متفاوتی برای سنجش و پذیرش دانشجو وجود دارد. ازاین‌رو در توجه به

تجارب بین‌المللی، باید به تفاوت شرایط توجه داشت و از تقلید کورکورانه دست برداشت. صرف اینکه در کشوری، از فلان شیوه استفاده می‌شود دلیل بر این نیست که اولاً آن شیوه کارآمد است و ثانیاً آن شیوه را می‌توان در کشور ما، با موفقیت به اجرا گذاشت (امیری و عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۸). اما جهت آشنایی با تجارب دنیا، شیوه‌های رایج در برخی از کشورها را در ادامه مشاهده می‌کنید که معمولاً ترکیبی از آنها در کشورهای مختلف، اعمال می‌شود:

تصویر (۱): ملاک‌ها و روش‌های عمده پذیرش دانشجو در جهان

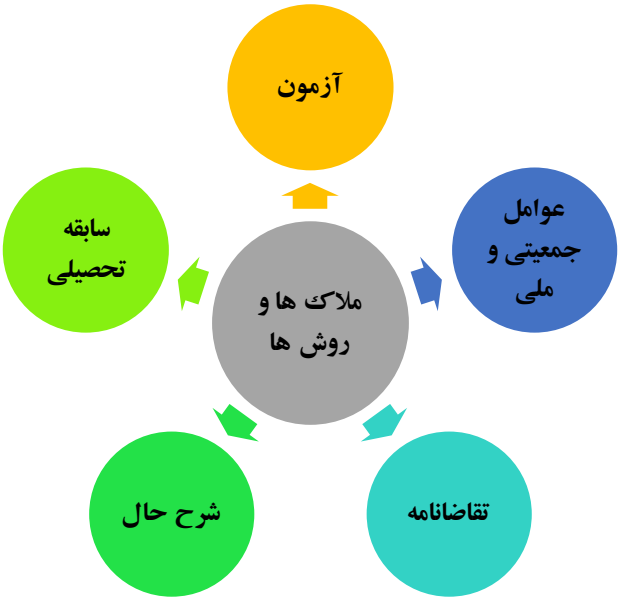

منبع: (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، ص. ۴)

۱. آزمون (Helms, 2008, p. 7): در بسیاری از کشورها از آزمون استفاده می‌شود. این آزمون می‌تواند سراسری و هماهنگ باشد یا اینکه در سطح دانشگاه‌ها و به صورت غیرمتمرکز برگزار شود؛ گاهی توسط یک نهاد رسمی برگزار می‌شود و گاهی توسط مؤسسات مختلف اما معتبر و گاهی توسط اتحادیه‌های دانشگاهی و نظایر آنها. اما این آزمون از جنبه دیگری نیز تفاوت دارند که ناظر به محتوای آزمون است:

الف: آزمون پایان دوره متوسطه یا همان دیپلم آموزش‌وپرورش که در سال آخر تحصیل اخذ می‌شود.

ب: آزمون ورودی دانشگاه که بر اساس دو نوع محتوا می‌تواند انجام شود:

ب -۱. سنجش یادگیری گذشته که مبتنی بر دروس تحصیلی دوران مدرسه است.

ب -۲. سنجش یادگیری از محتوایی ناظر به رشته‌های دانشگاهی (متناسب با هر رشته) که لزوماً در مدرسه آموزش داده نشده است.

ج: آزمون استاندارد شایستگی یا آزمون استعداد تحصیلی که صلاحیت فرد برای ورود به عرصه دانشگاهی را سنجش می‌کند. (National Center for University Entrance Examinations, 2017, p. 4)

۲. سوابق دوره متوسطه: گاهی به‌جای آزمون یا در کنار آن، سوابق دوره تحصیلی متوسطه نیز اهمیت می‌یابد تا فرد در مقاطع مختلف، مورد سنجش قرار گیرد. توجه به سوابق تحصیلی نیز می‌تواند ناظر به معدل‌های یک یا چند پایه تحصیلی باشد یا اینکه معدل بسته‌ای از دروس مدرسه، متناسب با نیازمندی رشته‌های مختلف دانشگاهی ملاک سنجش باشد.

۳. شرح حال: در این شیوه سایر سوابق غیرتحصیلی و مشارکت‌های خارج از مدرسه نیز مثل سوابق ورزشی، اشتغال، سوابق سیاسی، فرهنگی - هنری و ... به تناسب رشته‌های دانشگاهی می‌تواند منبع و ملاک سنجش باشد.

۴. تقاضانامه: در تقاضانامه، فرد سوابق، انگیزه و هدف، مسیر پیش‌رو و موارد دیگری را بیان می‌کند تا صلاحیت خود را برای تحصیل در یک رشته دانشگاهی موجه نشان دهد.

۵. عوامل جمعیتی و ملی (Davey, De Lianb & Higgins, 2014, p. 6): کشورهای مختلف، به تناسب اقتضائات و نیازهای متفاوت، عوامل دیگری را نیز در نظام سنجش و پذیرش خود وارد می‌کنند؛ عواملی از قبیل جنسیت، مذهب، سلامت جسمی، محرومیت (سهمیه و تبعیض مثبت)، پراکندگی جغرافیایی و ... . این عوامل گاهی به تناسب رشته و فرد بازمی‌گردد (مثل سلامت جسمی، جنسیت یا مذهب)؛ گاهی به جبران ضعف‌های

ساختاری جامعه (مثل برخی سهمیه‌ها)؛ گاهی نیز به مدیریت اقتضائات اجتماعی (مثل جنسیت، مذهب و پراکندگی جغرافیایی).

جدول (۲): انواع مدل‌های سنجش و پذیرش دانشجو در دنیا

نوع اول: امتحانات پایان دبیرستان		
مدل و فرآیند	فقط نتایج آزمون ملی	اتریش، فرانسه، ایرلند، مصر
	نتایج آزمون ملی و عملکرد علمی دوره متوسطه	تانزانیا
	نتایج آزمون ملی و شرح حال	انگلستان
	نمره امتحانات منطقه‌ای/دولتی، همچنین عملکرد علمی دوره متوسطه	استرالیا
نوع دوم: امتحانات ورودی		
مدل و فرآیند	نتایج آزمون ملی	چین، گرجستان
	نتایج آزمون ملی و آزمون مؤسسه‌ها	ژاپن
	نتایج آزمون ملی و عملکرد تحصیلی دوره متوسطه	ترکیه، اسپانیا
	فقط نمرات آزمون مؤسسه‌ها	آرژانتین، پاراگوئه
	نمرات آزمون مؤسسه‌ها و عملکرد علمی دوره متوسطه	بلغارستان، صربستان
نوع سوم: آزمون‌های استاندارد شایستگی (استعداد و توانایی)		
مدل و فرآیند	نمرات آزمون توانمندی استاندارد یا عملکرد تحصیلی مدارس متوسطه	سوئیس
	نمرات آزمون توانمندی استاندارد و سوابق	آمریکا
نوع چهارم: امتحانات چندگانه		
مدل و فرآیند	نتایج آزمون ورودی ملی و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها	ژاپن، روسیه، فرانسه
	نتایج آزمون ورودی ملی و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها و عملکرد علمی دبیرستان	برزیل

	نتایج آزمون ملی پایان دبیرستان و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها	فنلاند
	چندین امتحان توسط چندین نهاد	هندوستان
نوع پنجم: بدون امتحان		
مدل و فرآیند	عملکرد علمی دوره دبیرستان	کانادا، نروژ
	سوابق درخواست بدون نمره امتحان	برخی مؤسسه‌های آمریکا

منبع: (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، ص. ۱۴)

هر یک از کشورها را می‌توان بر اساس روش غالب و اصلی مورد استفاده در نظام سنجش و پذیرش و ملاک‌های جانبی که در کنار روش اصلی اتخاذ کرده‌اند، به ۱۷ مدل و فرآیند افراز کرد که در جدول زیر قابل مشاهده است. (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، ص. ۱۴).

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکرد تحلیل خط‌مشی انجام شده است. چارچوب نظری تحلیل پژوهش بر «تحلیل احتجاجات خط‌مشی» استوار است. این رویکرد بر این فرض مبتنی است که خط‌مشی‌های عمومی، صرفاً مجموعه‌ای از تصمیمات فنی نیستند، بلکه بر مجموعه‌ای از استدلال‌ها و احتجاج‌ها استوارند که از رهگذر آها مسأله تعریف می‌شود، راه‌حل‌ها توجیه می‌گردند و مداخله سیاستی مشروعیت می‌یابد. ازاین‌رو، پیش از ارزشیابی یا طراحی هر خط‌مشی، لازم است ساختار استدلالی آن و نحوه صورت‌بندی مسأله مورد تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش، چارچوب تحلیل احتجاجات خط‌مشی ویلیام‌دان (۲۰۱۸) مبنای تحلیل قرار گرفته است.

داده‌های پژوهش از طریق بررسی متون و اسناد و به شیوه هدفمند گردآوری شده‌اند. محدوده اسناد پژوهش شامل کلیه منابعی است که در شکل‌گیری، دفاع، نقد یا تبیین بدیل‌های خط‌مشی نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی نقش داشته‌اند. این منابع شامل قوانین و مصوبات رسمی، گزارش‌های کارشناسی، اسناد پشتیبان خط‌مشی‌ها، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، گزارش‌های سازمان

سنجش آموزش کشور، اسناد وزارت علوم و وزارت آموزش‌وپرورش، آرای منتشرشده توسط صاحب‌نظران، مصاحبه‌های تخصصی، نشست‌های علمی، یادداشت‌های سیاستی، مقالات علمی و همچنین مطالعات تطبیقی و گزارش‌های بین‌المللی درباره نظام‌های پذیرش دانشجو بوده است.

به منظور مهار سوگیری و رعایت اصول روش‌شناختی، اسناد گردآوری‌شده بر اساس «میزان اثرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری» دسته‌بندی و وزن‌دهی شدند؛ به‌طوری‌که اسناد بالادستی حاکمیتی (مانند مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی) به‌عنوان «هسته ادعاها و شواهد»، گزارش‌های نهادهای خط‌مشی پژوه (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس) به‌عنوان «حجت‌ها و ردیه‌های ساختاری»، و یادداشت‌های رسانه‌ای یا کارشناسی صرفاً به‌عنوان «قرائن تکمیلی و شواهد جانبی» ملاک تحلیل قرار گرفتند.

نمونه‌گیری گزاره‌های متنی به صورت هدفمند و مبتنی بر غنای اطلاعات انجام شد؛ بدین معنا که تنها متونی وارد فرآیند تحلیل شدند که حاوی استدلالی روشن درباره تعریف مسأله، ضرورت خط‌مشی یا توجیه یکی از بدیل‌های نظام سنجش و پذیرش بودند و گردآوری اطلاعات نیز تا رسیدن به اشباع نظری (عدم تکرار الگوهای استدلالی جدید در بدیل‌ها) ادامه یافت.

تحلیل داده‌ها با تلفیق متمایز چارچوب تحلیل احتجاج (Dunn, 2018) و فرآیند دومرحله‌ای کدگذاری (Saldaña, 2016) صورت گرفته است. واحد تحلیل در این پژوهش، «بدیل‌های خط‌مشی» بود، نه صرفاً یک سند یا یک اظهار نظر؛ ازاین‌رو ممکن بود یک احتجاج واحد از چند متن مختلف استخراج و بازسازی شود.

در مرحله اول، فرآیند تحلیل با روش «کدگذاری فرآیندی[1]» آغاز شد. در این مرحله، با تمرکز بر افعال پیشرونده و مصدرهای حرکتی در متن خط‌مشی، کنش‌ها، اقدامات و پویایی‌های ساختاری سیستم که در احتجاجات بیان می‌شوند در قالب کدهای اولیه (کدهای باز) استخراج شدند. در مرحله دوم، با به‌کارگیری «کدگذاری متمرکز[2]» به شیوه‌ای قیاسی، کدهای فرآیندی بازتولید شده غربال گردیدند (Saldaña, 2016, p. 239) و بر اساس کارکردشان در منطق استدلال، روی مؤلفه‌های شش‌گانه الگوی تحلیل احتجاج دان تطبیق داده شدند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

• اطلاعات و شواهد[۳]: واقعیات مسلم فرض شده برای حمایت از ادعای خط‌مشی را فراهم می‌کند. اطلاعات مرتبط با خط‌مشی ممکن است داده‌های آماری، یافته‌های آزمایشگاهی، نظرات تخصصی خبرگان، شعور متعارف یا سیاسی باشد.

• ادعا[۴]: ادعای خط‌مشی نتیجه استدلال توجیهی خط‌مشی است. چهار نوع ادعای خط‌مشی وجود دارد: تعریفی، توصیفی، ارزشیابی و جانب‌دارانه.

• توجیه یا حجت[۵]: حجت دلیلی برای حمایت از ادعای خط‌مشی است. توجیه‌های کلی ممکن است نظریه‌های اقتصادی، اصول اخلاقی، ایده‌های سیاسی، نظرات تخصصی خبرگان و از این قبیل باشند. بیشتر استدلال‌ها چند توجیه کلی دارند.

• پشتیبان[۶]: پشتیبان با عرضه دلایل خوب برای باور کردن حجت، یک حجت را توصیه یا از آن پشتیبانی می‌کند.

• ردیه[۷]: ایراد با مشخص کردن شرایط یا استثنائات خاص که اطمینان به حقیقت را کاهش می‌دهند، اعتبار ادعا را به چالش می‌کشند یا با آن مخالفت می‌کند.

• انکاریه[۸]: انکار با شناسایی شرایط و استثنائاتی که اطمینان به درستی ایراد را کاهش می‌دهند، ایراد را به چالش می‌کشند یا با آن مخالفت می‌کنند.

• کیف‌نما[۹]: کیف‌نما، درجه درستی مناسب ادعا را ابراز می‌کند. نقاط قوت، توجیه‌های کلی،اطلاعات، پشتیبان‌ها، ایرادات و انکاریه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و در قالب‌های آماری ($p<۰/۰۱$) یا در قالب زبان روزمره (احتمالاً، قطعاً، نسبتاً، ظاهراً بعید است) بیان می‌کند (دان، ۱۴۰۲، ص. ۴۲).

در گام نهایی، با تحلیل تطبیقی این استدلال‌ها، ساختارهای پنهان و خطاهای نوع سوم در تعریف مسأله پذیرش دانشجو ریشه‌یابی شد و بستر لازم برای بازتعریف مسأله و ارائه پیشنهادیه خط‌مشی شایستگی‌محور هموار گردید.

دقت علمی و اعتبار این پژوهش با تکیه بر استراتژی‌های ممیزی[۱۰] در حین فرآیند تحقیق احراز گردیده است. روایی پژوهش با اتکا به معیار انسجام روش‌شناختی و ممیزی مداوم فرآیند تحلیل همزمان داده‌ها تأمین شد. از سوی دیگر، پایایی فرآیند بر ویژگی «خوداصلاحی»[۱۱] و حرکت رفت‌وبرگشتی میان متون و کدهای فرآیندی استوار است که

با ثبت دقیق مراحل، یک مسیر ممیزی شفاف، نظام‌مند و بازسازی‌پذیر را فراهم می‌آورد (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷).

۳. تحلیل و یافته‌های پژوهش

کاربست تکنیک شفاف‌سازی احتجاجات در نسخه‌های بدیل نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی، نقشی کلیدی در ریشه‌یابی شکست تلاش‌های تحول‌خواهانه و آشکار کردن صورت‌بندی‌های گوناگونی دارد که از این مسأله در ذهن خط‌مشی‌گذاران و ذی‌نفعان شکل گرفته است. این رویکرد به تحلیل‌گر اجازه می‌دهد تا فرضیات پنهان پشت هر نوع نگاه به مسأله را کالبدشکافی کرده و ریشه تداوم مشاجرات چنددهه‌ای را در کشور بازشناسی کند. این صورت‌بندی‌ها و نسخه‌های سه‌گانه بدیل، به صورت روش‌مند و از طریق تحلیل محتوای کیفی اسناد بالادستی، گزارش‌های راهبردی حاکمیتی و مواضع رسانه‌ای ذی‌نفعان کلیدی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان سنجش، وزارت علوم و وزارت آموزش‌وپرورش) استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. بدیل‌های خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو عبارت‌اند از:

- بدیل اول (تمرکز بر معدل دروس نهایی)[۱۲]: مبنا قرار دادن نمرات کشوری آزمون‌های تشریحی دوره متوسطه به‌جای آزمون سراسری.
- بدیل دوم (واگذاری فرآیند به دانشگاه‌ها): تمرکززدایی و اعطای اختیار کامل تعیین صلاحیت و گزینش علمی ورودی‌ها به خود مراکز آموزش عالی.
- بدیل سوم (تفکیک سنجش از پذیرش): جداسازی ساختاری وظیفه برگزاری آزمون استاندارد ملی از فرآیند جایابی و انتخاب داوطلبان.

در ادامه، نگاشت تفصیلی احتجاجات و فرضیات پنهان هر یک از این سه بدیل خط‌مشی بر اساس مدل ویلیام دان ارائه می‌شود (Dunn, 2018, p. 350).

نمودار (۱): تحلیل احتجاج بدیل خط‌مشی اول

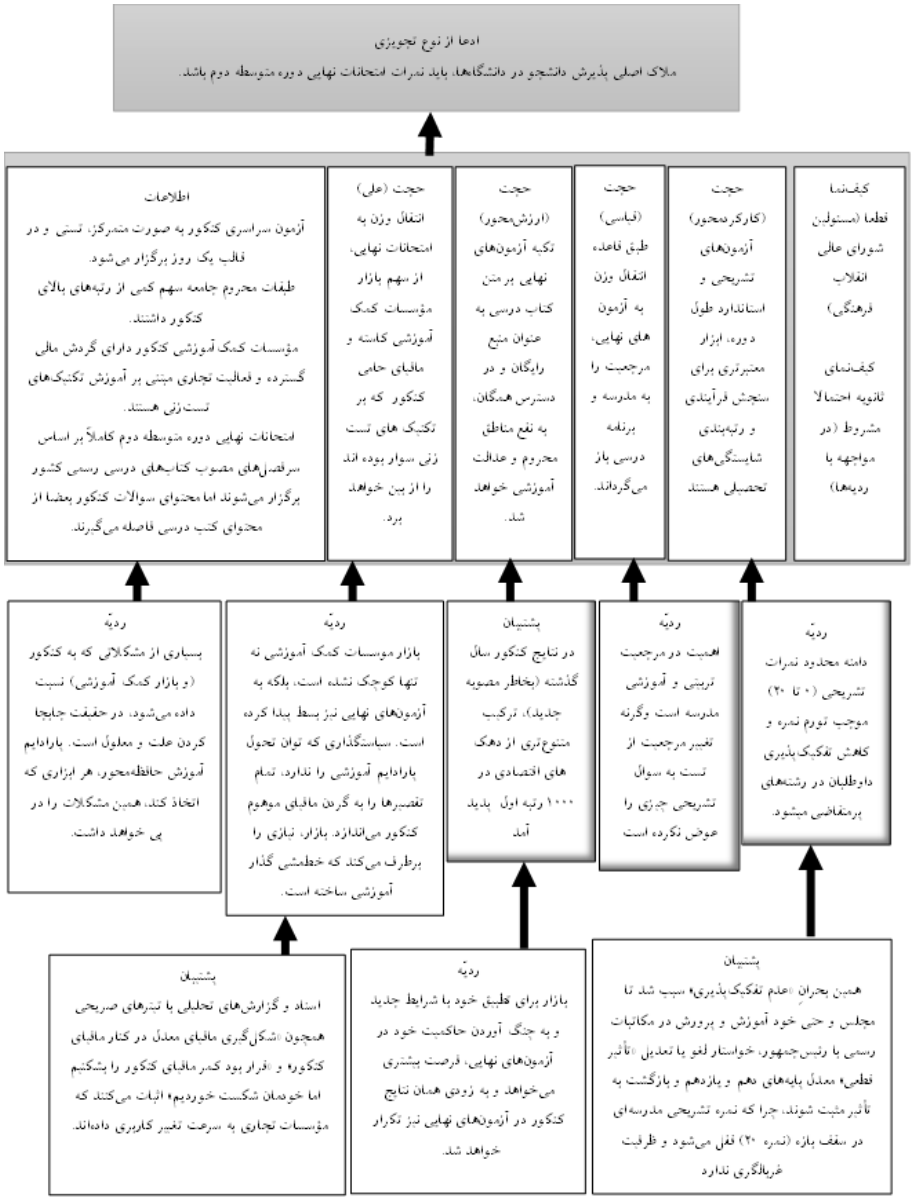

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار (۲): تحلیل احتجاج بدیل خط‌مشی دوم

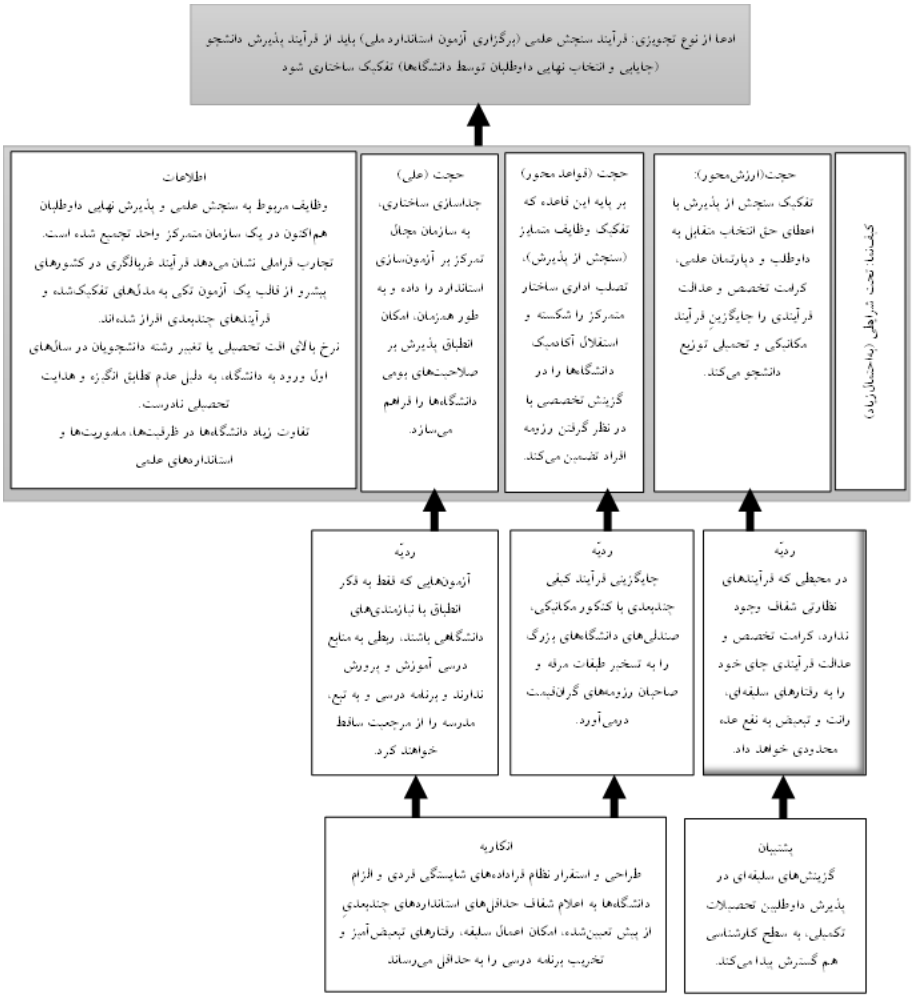

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار (۳): تحلیل احتجاج بدیل خط‌مشی سوم

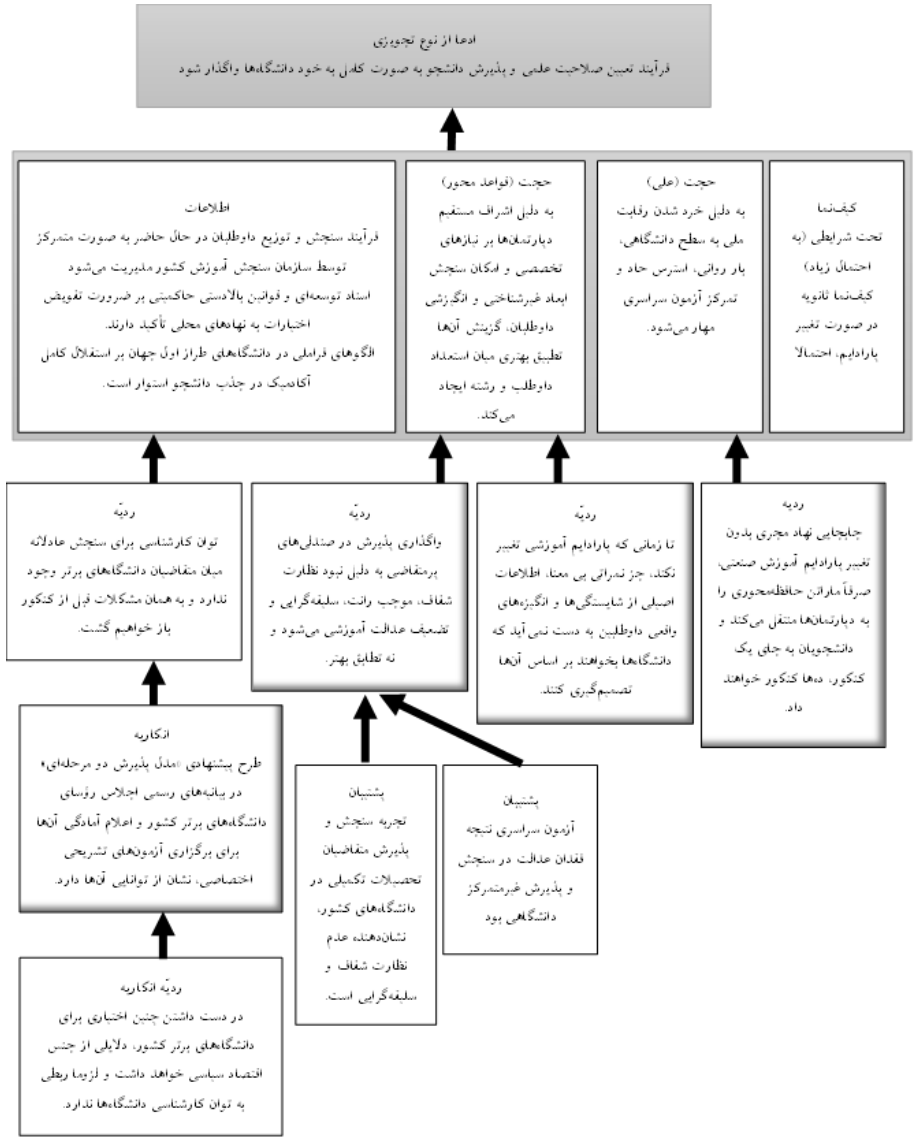

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل ساختار احتجاجی این سه بدیل خط‌مشی نشان می‌دهد که تلاش‌های خط‌مشی‌گذارانه، با وجود تغییر در آرایش نهادی یا اصلاح ابزارهای سنجش، همچنان

در چارچوب پارادایم صنعتی آموزش باقی مانده‌اند. ازاین‌رو، هر یک از این بدیل‌ها با ردیه‌های جدی، به‌ویژه در حوزه عدالت و امکان اجرا، مواجه شده و در عمل نتوانسته‌اند راه‌حلی پایدار برای مسأله ارائه کنند. تکرار این ردیه‌ها و بازتولید مستمر چالش‌های پیش‌گفته، حاکی از آن است که بحران نظام سنجش و پذیرش دانشجو، صرفاً یک اختلاف درباره رویه‌ها، ابزارها یا ساختارهای اجرایی نیست، بلکه احتمالاً ریشه در نحوه صورت‌بندی خود مسأله دارد. از این منظر، عبور از بن‌بست کنونی مستلزم بازاندیشی در لایه تعریف و صورت‌بندی مسأله است؛ زیرا تا زمانی که هسته اصلی بحران شناسایی نشود و خطای نوع سوم برطرف نگردد، هر اصلاح سیاستی جدید، صرف‌نظر از شکل و ابزار آن، در نهایت به بازتولید همان ناکارآمدی‌های پیشین خواهد انجامید. بر این اساس، در بخش بعد ابتدا مسأله نظام سنجش و پذیرش از منظری متفاوت بازتعریف می‌شود تا چارچوب نظری لازم برای تبیین و طراحی الگوی پیشنهادی این پژوهش فراهم آید.

۱-۳. بازتعریف مسأله

به نظر می‌رسد نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی دیگر با اصلاحات تدریجی و محدود قابل اصلاح نیست و طراحی یک الگوی جایگزین برای آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، بیشتر طرح‌های اصلاحی تاکنون، به دلیل تقلیل مسأله به تغییر ابزارها و سازوکارهای سنجش، نتوانسته‌اند ریشه‌های اصلی بحران را هدف قرار دهند. واقعیت آن است که تحول پایدار در نظام سنجش و پذیرش، بدون بازاندیشی در مبانی پارادایم آموزشی مسلط امکان‌پذیر نخواهد بود. ازاین‌رو، اگر حاکمیت در پی گذار از پارادایم آموزش صنعتی به پارادایم آموزش شایستگی‌محور باشد، ناگزیر باید نظام سنجش و پذیرش را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تحقق این تحول بازطراحی کند. تحقق چنین تغییری، صرفاً به طراحی یک الگوی جدید سنجش محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم اتخاذ راهبردی برای حل مسأله است که بتواند در میان ذی‌نفعان متعدد این حوزه، بر سر تعریف مسأله و مسیر اصلاح آن اجماع ایجاد کند.

نقطه آغاز این تحول، بازنگری در نحوه صورت‌بندی مسأله نظام سنجش و پذیرش دانشجو است. مسأله اصلی، صرف برگزاری یک آزمون رقابتی یا شیوه اجرای آن نیست، بلکه به کارکرد بنیادین نظام سنجش و پذیرش در شناسایی، سیگنال‌دهی و هدایت افراد

به موقعیت‌های تحصیلی، اجتماعی و شغلی بازمی‌گردد. هر جامعه‌ای به سازوکاری نیاز دارد که بتواند بر اساس شایستگی‌های واقعی، افراد را برای ایفای نقش‌های مختلف شناسایی و انتخاب کند. بر این اساس، نیازهای آینده جامعه اعم از رشته‌های دانشگاهی، بازار کار و ...، باید به نظام آموزشی عرضه شود و نظام آموزشی نیز با بازطراحی برنامه‌ها و فرایندهای خود، زمینه شکل‌گیری شایستگی‌های مورد نیاز را فراهم آورد. در این میان، نظام سنجش و پذیرش حلقه واسط این تعامل است؛ سازوکاری که باید بتواند با شناسایی نیم‌رخ واقعی شایستگی‌های افراد، میان قابلیت‌های آنان و نیازهای آینده جامعه ارتباطی معتبر و اثربخش برقرار کند.

طراحی نظام غربالگری جدید باید چالش‌هایی را پوشش دهد: توجه به علاقه داوطلب و آزادی نسبی در انتخاب وی، توجه به استعدادها و شایستگی‌های فردی داوطلب، مسأله پیک تقاضا برای رشته‌های خاص و محدود، مسأله سرمایه سالاری حاکم بر کسب و تقویت شایستگی‌ها، فقر محیطی برخی مناطق در کسب شایستگی‌های مختلف، مسأله سهمیه‌ها و تبعیض مثبت، مسأله اتصال شایستگی‌ها به مدرک‌گرایی، مسأله تبعیض نابجا در نظام پذیرش.

چالش در جایی است که باید نقطه شروع تغییر را در کلاف سردرگم کنکور مشخص کرد. به نظر می‌رسد، راهبرد تغییر، اصلاح جانب تقاضای آموزش عالی و نقطه شروع، دانشگاه‌ها و آموزش عالی است که باید اولین گام را بردارند. آنها باید ویژگی افراد مورد نیاز خود را برای رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاهی مشخص کنند. نظام غربالگری پیشنهادی، سه ویژگی دارد: انتخاب داوطلب بر اساس ترکیبی وزنی فراداده‌های شایستگی فردی، چند لایه بودن غربالگری و شروع از ابتدای دوران تحصیل دانش‌آموزی، نهادسازی جانبی و تنظیم ترتیبات نهادی برای رشد و جذب شایستگی‌های متنوع.

بر اساس مقدورات فعلی، در این نظام غربالگری، پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی مبتنی بر این موارد خواهد بود: امتحانات دروس متوسطه دوم بر اساس سرفصل دروس، آزمون‌های دوره‌ای استاندارد شایستگی، بسته ترکیبی فراداده‌های شایستگی فردی، سوابق غیرتحصیلیِ مکمل. دانشگاه‌ها، ویژگی افراد مورد نیاز رشته‌های تحصیلی مختلف خود را اعلام می‌کنند. این کار بر اساس تعیین حداقل‌های نمرات امتحانات

نهایی، شایستگی فردی و آزمون استاندارد شایستگی است. ضمناً دانشگاه‌ها می‌توانند سوابق غیرتحصیلی مرتبط با رشته را نیز اعلام کنند. پس از این اطلاع‌رسانی، وظیفه آموزش‌وپرورش در چند محور خواهد بود: برگزاری امتحانات نهایی بر اساس سرفصل‌های درسی؛ بسترسازی، شناسایی، هدایت و سنجش شایستگی‌های فردی دانش‌آموزان در بازه ۶ ساله متوسطه. همچنین سازمان سنجش نیز به صورت ماهانه، اقدام به برگزاری آزمون استاندارد شایستگی خواهد کرد. ترکیب نتایج آزمون استاندارد شایستگی، سنجش شایستگی‌های فردی و امتحانات نهایی بعلاوه سوابق غیرتحصیلی مورد نیاز، با نیازمندی دانشگاه‌ها تطبیق داده می‌شود و نتایج قبولی، اعلام می‌شود. در صورت موفقیت اولیه این طرح، در گام دوم، دانشگاه‌ها نیز می‌توانند امکان مصاحبه یا مواردی که در اختیار دانشگاه می‌تواند باشد را به شرایط پذیرش، اضافه کنند.

۲-۳. مسأله جوهری[۱۳]

سخن در باب آسیب‌های ایجاد شده ناشی از کنکور یا علل شکل دهنده کنکور، بسیار است. اما مهم آن است که در میان همه این برش‌ها و سخن‌ها، به بنیادی‌ترین وجه مسأله برسیم. متأسفانه از خاستگاه تاریخی کنکور تا کنون، مسأله را «مدیریت و کنترل تقاضای بیش از ظرفیت دانشگاه‌ها» تعریف کرده‌ایم. این درحالی است که مدیریت تقاضا، فرع بر اصل ماجراست. در گام اول، تعداد تقاضا اهمیت ندارد و دانشگاه‌ها باید متناسب بودن دانشجویان با رشته‌های خود را مدنظر قرار دهند و سپس به مدیریت حجم تقاضا بپردازند. گویا اگر ظرفیت، بیشتر از تقاضا شد، دیگری مشکلی وجود ندارد!

بر این اساس، مسأله کنکور، «غربالگری و سیگنال‌دهی برای جایابی افراد در موقعیت‌های تحصیلی، اجتماعی و شغلی» است. اساساً جامعه ما نیازمند سامانه‌ها و نظام‌های مختلفی است که بر اساس آن بتواند افراد را برای قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف شناسایی کند. در این میان، ورود به موقعیت‌های تحصیلات عالی نیز نیازمند نظام غربالگری خاص خود خواهد بود. نظامی که در آن، نیازهای آینده افراد و جامعه باید به نظام آموزشی عرضه شود و نظام آموزشی با تولید شایستگی‌های موجود برای کسب موقعیت‌هایی که جامعه مطالبه کرده است یا افراد انتخاب کرده‌اند یا اقتضای غایت کمالی انسان است، به این نیازها پاسخ دهد. نظام آموزش عالی نیز صلاحیت‌های ورود

به هر رشته را مشخص می‌سازد. در این میان، نقش غربالگر، شناسایی و انتقالِ افراد متناسب به سوی هر موقعیت خاص است.

۱-۲-۳. غربالگری مبتنی بر آموخته‌های گذشته یا ناظر به نیازهای آینده

غربالگری باید مبتنی بر گذشته اما ناظر به آینده طراحی شود. به عبارت دیگر غربالگری باید به نحوی باشد که اولاً نیازهای آینده و تناسب با رشته‌های دانشگاهی را رعایت کند و ثانیاً نباید امری منفک از گذشته فرد باشد؛ بلکه باید مبتنی بر سیر آموزش رسمی عمومی فرد دنبال شود. اگر غربالگری صرفاً ناظر به آینده باشد، ضربه جدی به آموزش‌وپرورش وارد می‌شود و دانش‌آموزان برنامه درسی آموزش‌وپرورش را کنار گذاشته و صرفاً به یادگیری محتوای مورد نیاز برای قبولی دانشگاه می‌پردازند. از سوی دیگر اگر غربالگری، گذشته‌نگر باشد، لزوماً تناسبی با رشته‌های دانشگاهی ندارد. در این میان با هماهنگی آموزش عالی و آموزش‌وپرورش باید غربالگری‌ای تعریف شود که دانش گذشته را در خدمت نیاز آینده و رشته‌های دانشگاهی تعریف کند. همین دغدغه است که برخی را وامی‌دارد تا پیشنهاد ادغام وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را مطرح کنند.

بنابراین، نیاز اصلی این غربالگری، توسط رشته‌های دانشگاهی، بازار کار و فرهنگ تعریف می‌شوند نه رشته‌های تحصیلی مدارس. هر رشته تحصیلی، نیازمند شایستگی‌هایی است که داوطلبان آن رشته، باید این شایستگی‌ها را احراز کنند یا در آن شایستگی‌ها، مرتبه بالاتری را کسب کنند. اما دروس تحصیلی مدارس نیز باید به نحوی باشند که احراز این شایستگی‌ها از درون آنها میسر باشد تا به برنامه درسی مدارس نیز آسیبی وارد نشود و تحت فشار تقاضا برای دانشگاه، به انحراف کشیده نشود.

پس نظام سنجش و پذیرش دانشجو باید اولاً شایستگی محور باشد، ثانیاً باید مبتنی بر گذشته و برای آینده تعریف شود. در کنار این دو معیار مهم، طراحی نظام غربالگری جدید باید چالش‌های دیگری را نیز پوشش دهد:

- توجه به علاقه داوطلب و آزادی نسبی وی در انتخاب رشته،
- مسأله پیک تقاضا برای رشته‌های خاص و محدود (شکستن حجم تقاضا در کنار قدرت تفکیک بین داوطلبان)،

- مسأله سرمایه سالاری حاکم بر کسب و تقویت شایستگی‌ها،
- مسأله سهمیه‌ها و تبعیض مثبت.

از بین مسائل فوق، مسأله سرمایه سالاری از یک سو به سیگنال سنجش برای نظام بازار بستگی دارد و از سوی دیگر به قواعد تنظیم گری بازار آموزش. اگر سنجش دانشجو بر تست تأکید کند، بازار هم آن سیگنال را دریافت کرده و مهارت تست‌زنی را تقویت می‌کند اما اگر نظام سنجش و پذیرش به شایستگی توجه کند، بازار نیز جهت خود را اصلاح می‌کند. اما لازم است در تکمیل آن، قواعد تنظیم‌گری بازار آموزش از قبیل قواعد ضدانحصار، قواعد تبلیغات سالم و... را نیز طراحی و اجرا کرد.

۳-۳. بایسته‌های سناریوی پیشنهادی نظام سنجش و پذیرش دانشجو

نظام سنجش و پذیرش دانشجو باید شایستگی‌های متنوع فردی داوطلبان ورود به دانشگاه را سنجش کند؛ سنجش باید داوطلب مورد نیاز هر رشته را مشخص سازد؛ سنجش باید مبتنی بر یادگیری باشد نه حافظه‌محوری؛ سنجش باید مبتنی بر مسیر آموزشی گذشته اما ناظر به نیازهای آینده (دانشگاه) صورت گیرد؛ سنجش باید در یک فرایند رخ دهد نه در یک مقطع زمانی؛ سنجش باید به انتخاب و علاقه آگاهانه داوطلب توجه کند. بر این اساس به نظر می‌رسد در کلیت نظام غربالگری پیشنهادی (نه صرفاً برای دانشگاه)، سه ویژگی باید وجود داشته باشد:

- چند لایه بودن و شروع از ابتدای دوران تحصیل دانش‌آموزی: سنجش نباید در یک نقطه زمانی انجام شود که حجم نگرانی، فشار و مشکلات را در یک نقطه تجمیع کند. سنجش باید در لایه‌های مختلف زمانی انجام شود تا هم داوطلب و خانواده با ویژگی‌ها و صلاحیت‌های وی آشنا شوند و هم علاقه و استعداد افراد به صورت آگاهانه به سمت درستی از آموزش عالی یا بازار کار هدایت شود.
- نهادسازی جانبی و تنظیم ترتیبات نهادی برای رشد و جذب شایستگی‌های متنوع: باید پذیرفت که مسیر موفقیت صرفاً از دانشگاه نمی‌گذرد؛ اما با توصیه نمی‌توان این گزاره را به تحقق رساند. اکنون با کویر نهادسازی برای شناسایی، رشد و جذب شایستگی‌های متنوع دانش‌آموزان در جامعه مواجهیم.

- انتخاب داوطلب بر اساس ترکیبی وزنی فراداده‌های شایستگی فردی: چه تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه، یک نفر باشد و چه بیش از ظرفیت موجود، مسأله آن است که افراد واجد صلاحیت، به درستی به رشته‌های دانشگاهی متصل شوند. ازاین‌رو نظام سنجش و پذیرش، نیازمند در اختیار داشتن داده‌هایی است که شایستگی‌های فردی را فهم کند.

طبیعتاً برای تحقق نظام سنجش و پذیرش مطلوب باید چند نسخه برای تحقق تدریجی این نظام طراحی کرد. در این طراحی، توجه به مقدورات و امکانات فعلی حائز اهمیت است. اکنون سؤال آن است که چه ظرفیت‌هایی در نظام آموزشی فعلی، موجود یا قابل اصلاح است که می‌توان به مرحله اول عملیاتی سازی نظام سنجش و پذیرش مطلوب دست یافت. این ظرفیت‌ها عبارت‌اند از:

۱. ظرفیت سازمان سنجش: سازمان سنجش اکنون از حیث تخصص سنجش، از حیث تمایل و از حیث توان، امکان برگزاری آزمون‌های استعدادسنجی را به صورت دوره‌ای دارد. همچنین می‌تواند به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای، ظرفیت کارشناسی خود را برای تحلیل سیاستی نظام سنجش و پذیرش به کار گیرد. البته آزمون‌های استعدادسنجی باید ترکیبی از استعدادها را سنجش و گزارش نماید.

۲. ظرفیت دانشگاه‌ها: دانشگاه‌ها می‌توانند، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های متنوعِ رشته‌های متفاوت خود را مشخص و به جامعه دانش‌آموزی و داوطلبان اعلام کنند. اما ظرفیت واگذاری کامل و کلی سنجش و پذیرش به دانشگاه‌ها فعلاً موجود نیست. لذا باید چارچوبی برای این نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها تعریف شود. هر چه دانشگاه‌ها در این مسیر، بهتر عمل کنند، کیفیت ورودی خود را بالاتر خواهند برد و اگر دانشگاهی اهمال کند، خود آسیب می‌بیند.

۳. امتحانات دروس متوسطه: آموزش‌وپرورش می‌تواند از ظرفیت دروس متوسطه خود استفاده کرده و کلیه دروس دوران متوسطه اما مبتنی بر سرفصل درسی، سنجش کند. برگزاری امتحانات نهایی بر اساس کتاب درسی، عوارض مختلفی ازجمله حافظه محوری، تقلب و ... دارد. اما برگزاری امتحانات بر اساس سرفصل درسی، بر مبنای یادگیری (نه حافظه‌محوری) خواهد بود و از سوی دیگر، نتایج این امتحانات، به نظام

سنجش و پذیرش، تفکیک بسیار بالایی از نوع و میزان یادگیری دانش‌آموزان در مباحث مختلف دروس مدرسه‌ای را اطلاع می‌دهد. تشریحی یا تستی بودن یا ترکیبی بودن این سؤالات در کنار امکان شرکت مجدد در امتحان از مباحث بعدی است.

از لوازم این کار، ارتقاء ظرفیت مرکز سنجش و پایش یادگیری آموزشی در وزارت آموزش‌وپرورش خصوصاً در تأمین روایی و پایایی آزمون‌ها، تأمین حقوق مالکیت این سؤالات و تأمین بودجه است. در صورت تأمین روایی و پایایی آزمون‌ها، امکان عدم برگزاری هماهنگ آزمون‌ها نیز فراهم است و می‌توان در زمان‌ها و با سؤالات متفاوت، آزمون سنجش یادگیری را برگزار کرد. همچنین، ظرفیت بسیار خوبی برای آموزش‌وپرورش ایجاد می‌شود تا برنامه درسی رسمی عمومی را مبتنی بر تحقق سرفصل‌های یادگیری دروس، دنبال کند. این کار، ظرفیت «حذف الزام به تدریس کتاب درسی رسمی واحد» را نیز ایجاد می‌کند.

۴. فرایند هدایت تحصیلی: هدایت تحصیلی می‌تواند به‌جای معرفی دانش‌آموزان به رشته‌های تحصیلی مختلف، خود را باز تعریف کرده و به «شناسایی، سنجش و رشد» استعدادها و شایستگی‌های فردی از مسیر «تولید موقعیت‌های آموزشی متنوع» در مدرسه و بیرون مدرسه، اقدام کند. در این مسیر، دانش‌آموزان و خانواده‌ها، به خودآگاهی بیشتری دست پیدا می‌کنند، مسیرهای پیشرفت مختلف در جامعه را می‌شناسند و در نهایت نیز داده‌های لازم برای نظام سنجش و پذیرش دانشجو در یک بازه زمانی و بدون فشار روانی بالا، ایجاد می‌شود. به‌طور مثال آزمون‌های مستمر شخصیت شناسی، دسترسی به دوره‌های کارورزی و... از لوازم این هدایت تحصیلی است.

۵. ظرفیت جامعه محلی: جامعه محلی، ظرفیت‌های مختلفی برای فرایند هدایت تحصیلی (از مسیر داشتن موقعیت‌های سنجش شایستگی و استعداد) دارد و از سوی دیگر می‌تواند سایر صلاحیت‌های غیردرسی (مثل مهارت‌های مکانیک خودرو در یک مغازه مکانیکی) را نیز تولید کند. البته تدوین چارچوب تعریف این صلاحیت‌ها، نحوه احراز آنها و بررسی غنای محیطی برای این کار، ضروری است.

آنچه بیان شد را می‌توان در جدول ذیل و به صورت خلاصه مشاهده کرد (اعداد با تسامح درج شده‌اند). از ۴ محور ذیل، دو محور دارای نمره و ضریب برای رتبه‌بندی

داوطلبان در هر رشته تحصیلی هستند و دو محور دیگر، صرفاً نیازمند احراز حداقل نمره یا صلاحیت (استعداد تحصیلی و سوابق غیرتحصیلی).

جدول (۳): معیارها و نقش نهادها در پیشنهادیه

ردیف	معیارها	ضریب	نقش دانشگاه	نهاد تعریف‌کننده	نهاد مجری	توضیحات
۱	امتحانات دروس متوسطه دوم بر اساس سرفصل درسی	۶۰	اعلام نوع و میزان حداقل نمرات یادگیری در دروس یا سرفصل‌های درسی	مرکز سنجش و پایش یادگیری وزارت آموزش و پرورش	وزارت آموزش‌و پرورش	با قاعده امکان جبران و شرکت در امتحانات سال بعد نتیجه این مرحله: تعیین یادگیری‌های هر دانش‌آموز در هر سرفصل درسی است که ترکیب‌های متفاوتی از آنها توسط دانشگاه‌ها می‌تواند مطالبه شود.
۲	آزمون‌های فصلی استاندارد شایستگی	–	تعریف حداقل نمره در هر حوزه استعدادی ضمناً دانشگاه‌ها می‌توانند الزام/عدم الزام شرکت در این آزمون را برای هر رشته مشخص کنند.	سازمان سنجش	سازمان سنجش	برگزاری برای دانش‌آموزان دوران متوسطه و سایر داوطلبان بزرگسال امکان شرکت چند باره در آزمون صرفاً بالاترین نمره، اعمال می‌شود.
۳	بسته ترکیبی فراداده‌های شایستگی‌ها ی فردی	۴۰	تعریف نوع و حداقل میزان شایستگی‌های فردی	تعریف چارچوب شایستگی‌های فردی	فرایند هدایت تحصیلی	هدایت تحصیلی، دوره متوسطه اول و دوم را شامل می‌شود.
۴	سوابق غیرتحصیلی	–	تعریف نوع و حداقل میزان	تعریف نهاد معتبر	تائید سوابق	سوابق شغلی، ورزشی، هنری، فرهنگی، ...

ردیف	معیارها	ضریب	نقش دانشگاه	نهاد تعریف‌کننده	نهاد مجری	توضیحات
			سوابق غیرتحصیلی	ارائه‌دهنده سوابق توسط آموزش و پرورش	توسط یا تحت نظارت آموزش‌و پرورش	

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری: سناریو جدید نظام سنجش و پذیرش

دانشگاه‌ها باید برای هر رشته تحصیلی خود، سه چیز را مشخص سازند: الف: نوع شایستگی، کف امتیاز و ضریب امتیاز هر یک از شایستگی‌های فردی (و اعلام به سازمان سنجش). ب: نوع سرفصل یا درس، کف امتیاز و ضریب امتیاز هر یک از دروس متوسطه دوم. ج: سوابق غیرتحصیلی که برای ورود به این رشته، دارای امتیاز خواهند بود.

آموزش‌وپرورش، چارچوب شایستگی‌های فردی را تدوین کرده و فرایند هدایت تحصیلی جدید را اجرا می‌کند. آزمون‌های دروس متوسطه را بر اساس سرفصل درسی، برگزار می‌کند. همچنین فهرست نهادهای تولیدکننده سوابق غیرتحصیلی را منتشر کرده و تائید این سوابق را به عهده دارد. نوع این نهادها و نحوه تائید می‌تواند کاملاً باز یا ساختاریافته باشد.

از متوسطه دوم، دانش‌آموزان می‌توانند در آزمون‌های استاندارد شایستگی شرکت کنند. همچنین در امتحانات نهایی هر سال شرکت خواهند کرد؛ ضمن اینکه امکان جبران در سال بعد وجود دارد (البته توأم با نوعی جریمه مالی یا غیرمالی). دانش‌آموزان بر اساس اعلام دانشگاه‌ها و آموزش‌وپرورش می‌توانند نسبت به کسب صلاحیت‌ها و سوابق غیرتحصیلی نیز اقدام کنند.

در نهایت، پس از امتحانات دوره متوسطه دوم، دانش‌آموزان درخواست‌های خود برای ورود به رشته‌های دانشگاهی را تا ده انتخاب، از طریق سایت سازمان سنجش ثبت می‌کنند. نتایج آزمون‌های استاندارد شایستگی در بانک اطلاعات سازمان سنجش موجود است. فراداده‌های بسته شایستگی‌های فردی، تأییدیه سوابق غیرتحصیلی و نتایج امتحانات نهایی نیز از آموزش‌وپرورش به سازمان سنجش ارسال می‌شود.

سازمان سنجش بر اساس تقاضای دانشگاه‌ها، احراز حداقل شرایط و رتبه‌بندی داوطلبان، آنها را به دانشگاه‌ها معرفی می‌کنند. البته می‌توان به تدریج این امکان را برای دانشگاه‌ها فراهم کرد که سازمان سنجش، دو برابر ظرفیت هر رشته را به دانشگاه معرفی کند و دانشگاه‌ها، دست به انتخاب بزنند. این امکان، اشکال تبعیض‌های غیرمنطقی را به شدت کاهش می‌دهد.

بر اساس سناریوی جدید، اساساً چیزی به نام آزمون سراسری و کنکور وجود نخواهد داشت و یک برنامه متکثر، جایگزین کنکور خواهد شد. برای این سناریو، مزایا و در عین حال، الزاماتی می‌توان برشمرد. مزایای شیوه جدید عبارت است از:

۱. دانشگاه‌ها، صلاحیت‌های اولیه ورودی رشته‌های خود را مشخص می‌کنند و مسؤولانه‌تر عمل خواهند کرد.

۲. فشار روانی آزمون سراسری به حداقل می‌رسد.

۳. با سوابق غیرتحصیلی، اتصال دانشگاه به جامعه بیشتر می‌شود.

۴. با امتحانات مبتنی بر سرفصل درسی و هدایت تحصیلی، نیاز از سوی دانشگاه اعلام می‌شود اما تدبیر از آموزش‌وپرورش است. این تدبیر، برنامه درسی رسمی را تخریب نمی‌کند؛ مبتنی بر یادگیری است و زمینه تحقق سند تحول را فراهم می‌آورد.

۵. آزمون استعداد تحصیلی و سوابق غیرتحصیلی، رقابت چندانی بین داوطلبان ایجاد نمی‌کنند زیرا به رتبه‌بندی نمی‌رسند. بلکه فقط نیازمند احراز حداقل امتیاز خواهند بود.

۶. سناریوی جدید، بازار آموزش متفاوتی را شکل می‌دهد که مکمل آموزش‌وپرورش است. اما باید برای جلوگیری از تبلیغات فریبنده، انحصار و ...، قواعد تنظیم‌گری را تدوین و اجرا کرد.

۷. افراد، قبل از اینکه به مرحله دانشگاه برسند، ممکن است بر اساس شناخت دقیق‌تری، وارد بازار کار شوند و حجم و نوع تقاضای آموزش عالی تعدیل می‌شود. در عین حال نیاز است که مسیرهای مشارکت اجتماعی و اشتغالی غیر از مسیر دانشگاه نیز ایجاد شوند.

۸. با تکثر بسیار زیاد در هدایت تحصیلی و امتحانات متوسطه، قدرت تفکیک‌پذیری داوطلبین بالا می‌رود.

۹. علاوه بر تامین نیاز آموزش عالی، داده‌های این نظام سنجش می‌تواند به سایر نهادهای اجتماعی و مشاغل کمک کند تا افراد مناسب خود را بیابند یا معیارهایی برای ارزیابی صلاحیت‌های آنان داشته باشند.

الزامات مختلفی نیز برای این سناریو می‌توان برشمرد:

۱. ارتقاء ظرفیت کارشناسی سازمان سنجش و مرکز سنجش

۲. روایی و پایایی امتحانات دروس متوسطه و آزمون‌های استعدادسنجی

۳. تأمین مالکیت و امنیت سؤالات امتحانات متوسطه و آزمون‌های استعدادسنجی

۴. تدوین قواعد تنظیم گری بازار آموزش

۵. بازطراحی فرایند هدایت تحصیلی و ارائه آموزش‌های لازم از سوی آموزش‌وپرورش

۶. آگاهی بخشی به دانش‌آموزان، خانواده‌ها، معلمان و اهالی تعلیم و تربیت در خصوص سناریوی جدید

۷. ایجاد مفاهمه و مسیر همکاری بین ذی‌نفعان مختلف مسأله کنکور شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش‌وپرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مجلس شورای اسلامی.

۸. لغو یا اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های معارض ازجمله حذف قانون سنجش و پذیرش ۱۳۹۵ و آیین‌نامه‌های آن و نیز تغییر در قوانین و آیین‌نامه‌های سهمیه‌های کنکور.

۹. اعمال این شیوه حتماً باید از شش سال قبل از تاریخ اعمال، اطلاع‌رسانی و زمینه‌های آن تمهید شده باشد.

۱۰. تدوین چارچوب اعلام نیاز صلاحیت‌های داوطلبان دانشگاه از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۱۱. تدوین چارچوب و قواعد اعلام، تأمین و احراز سوابق غیرتحصیلی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

تخصیص منابع مالی مجزا برای اجراسازی اصلاحات.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: حامی مالی این مقاله، مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱. Process Coding: کدگذاری فرآیندی روشی در چرخه اول تحلیل کیفی است که منحصراً از اسامی مصدر یا افعال پیشرونده برای برچسب‌گذاری داده‌ها استفاده می‌کند. هدف این تکنیک، تمرکز بر اقدامات، پویایی‌های ساختاری و چرخه‌های حرکتی سیستم به جای توصیف‌های ایستا و موضوعی است. این ابزار به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا زنجیره‌ای متوالی از کنش‌های خط‌مشی گذاری را در طول زمان ردیابی کند. در نتیجه، فرآیند پیاده‌سازی تعارضات، چرخش‌های پارادایمی و تغییرات ساختاری در اسناد به شکلی پویا و حرکت‌محور به تصویر کشیده می‌شود.

2. Focused Coding
3. Information
4. Claim
5. Warrant
6. Backing
7. Objection
8. Rebuttal
9. Qualifier
10. Verification Strategies
11. Self-Correcting

۱۲. بهترین مثال از این بدیل خط‌مشی، مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

13. Substantive Problems

کتابنامه

پارسامعین، کوروش (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری کژکاری‌های آموزش عالی (با تأکید بر مدرک‌گرایی). *پژوهش اجتماعی*. ۱ (۳۷). ۱۴-۲۳.

تیسن، ویل‌ای. اچ و واکر، وارنای (۱۳۹۵). *تحلیل خط‌مشی عمومی؛ پیشرفت‌های جدید*. (مترجمان حسن‌دانایی‌فرد و هانیه‌احمدی). تهران: نشر صفار.

حج‌فروش، احمد (۱۳۸۳). کنکور سد راه دانایی جوانان. *پژوهش*. ۱ (۳۱).

زراعت‌کیش، یوسف (۱۳۹۸). *روش‌های سنجش و پذیرش دانشجو در جهان*. دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس. (شماره مسلسل ۱۶۵۳۹).

دان، ویلیام‌ان (۱۴۰۲). *تحلیل خط‌مشی عمومی: رویکردی یکپارچه* (حسن دانایی‌فرد، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۸).

دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی؛ و تراب‌زاده‌جهرمی، محمدصادق (۱۴۰۱). گونه‌شناسی نظریه‌ها و منشور طیف نوری تعریف مسأله در تحلیل خط‌مشی. *دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*. ۱۶ (۳۱). ۳۵-۱.

دانایی‌فرد، حسن؛ و مظفری، زینب (۱۳۸۷). ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت*. ۱ (۱). ۱۶۲-۱۳۱.

سبحانی، عبدالرضا و شهیدی، مهرداد (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در پذیرش نظام دانشجو. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*. (۱۳). ۱۸۲-۱۶۱.

عسگری، زهرا؛ کارشکی، حسین و مهرام، بهروز (۱۳۹۷). پیامدهای روانشناختی - تحصیلی مؤسسات آموزشی کنکور: مطالعه‌ای مبتنی بر نظریه زمینه‌ای. *روانشناسی تربیتی*. ۱۴ (۴۹). ۲۰۲-۱۷۳.

کاوه‌ئی، بهروز و باقی‌یزددل، رقیه (۱۳۹۳). نگرش دانشجویان دانشگاه های دولتی استان تهران در رابطه با طرح حذف آزمون سراسری و جایگزینی آن با سوابق تحصیلی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۸ (۲). ۹۸-۷۱.

معتمدی، عبدالله (۱۳۸۵). تأثیر کنکور بر سلامت عمومی، عزت نفس و نشانه‌های اختلالات روانی راه نیافتگان به دانشگاه. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. (۴۰). ۷۲-۵۵.

اسدپور، مجید و موسوی، سیدجلال (۱۴۰۳). راهکارهای دستیابی به حکمرانی مؤثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو. *نامه آموزش عالی*. (۶۸). ۱۵۹-۱۴۰.

قنبری، امین؛ امیری، مجتبی و عباسی، طیبه (۱۳۹۹). ارزشیابی خط‌مشی نحوه پذیرش دانشجو در ایران از منظر عدالت. *سیاست‌گذاری عمومی*. ۶ (۲). ۱۱۴-۹۵.

فتح‌آبادی، جلیل؛ شلانی، بیتا و صادقی، سعید (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی. *روان‌شناسی فرهنگی*. ۱ (۲). ۷۱-۴۹.

فتحی، جعفر (۱۳۹۸). تحلیل خط‌مشی‌گذاری نظام سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی ایران. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ۵ (۱). ۱۶۴-۱۵۲.

موسوی، سیدجلال؛ اسدپور، مجید و سوزنچی‌کاشانی، ابراهیم (۱۴۰۲). شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و دانشگاه. *آموزش عالی ایران*. ۱۵ (۳). ۴۲-۲۰.

فتح‌تبارفیروزجائی، کاظم و محمدی‌پویا، سهراب (۱۴۰۳). تبیین آسیب‌های حوزهٔ سنجش و پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران. *پژوهش در روش‌های آموزش*. ۲ (۵). ۹۲- ۱۱۸.

فتح‌تبارفیروزجائی، کاظم؛ شجاعتی، علی؛ شهرام، ایمان و خادمی، فاطمه (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو (مطالعه تطبیقی). *پژوهش‌های تربیتی*. ۸ (۴۲). ۷۷-۴۹.

زراعت‌کیش، یوسف (۱۳۹۹). *بررسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سنجش و پذیرش دانشجو در ایران*. گزارش کارشناسی. شماره مسلسل ۱۷۰۸۶. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ.

نصیری، حسین (۱۴۰۴). *ضرورت احیای نقش و جایگاه شورای سنجش و پذیرش دانشجو در فرایند تصمیم‌گیری کنکور سراسری*. گزارش نظارتی / راهبردی. شماره مسلسل ۲۷۰۲۰۵۶۸. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ. گروه آموزش عالی.

Daveya, G., De Lianb, C., & Higgins, L. (2007). The university entrance examination system in China. *Journal of Further and Higher Education*. 31 (4). 385–396.

Dunn, W. N. (2018). Public Policy Analysis: An Integrated Approach (6th ed.). Routledge.

Helms, R. M. (2008). *University Admission Worldwide*. Washington, D.C.: The World Bank.

National Center for University Entrance Examinations (2017). *Outline of the National Center for University Entrance Examinations*. Japan.

Saldaña, J. (2016). *The Coding Manual for Qualitative Researchers (3rd ed.)*. SAGE Publications.

Thissen, W. A. H., & Walker, W. E. (Eds.) (2013). *Public Policy Analysis: New Developments*. Springer.

Dunn, W. N. (2023). *Public Policy Analysis: An Integrated Approach* (H. Danaeefard, Trans.). Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT). (Original work published 2018). [in Persian].

Danaeefard, H., Emami, S. M., & Torabzadeh Jahromi, M. S. (2022). A Typology of Theories and the Spectrum Prism of Problem Definition in Policy Analysis. *Strategic Management Thought*. 16 (31). 1–35. [in Persian]

Danaeefard, H., & Mozaffari, Z. (2008). Enhancing Validity and Reliability in Qualitative Management Research: A Reflection on Research Audit Strategies. *Management Research*. 1 (1). 131–162. [in Persian]

Parsa Moein, Kourosh (2017). Social Factors Affecting the Formation of Dysfunctions in Higher Education (With Emphasis on Credentialism). *Social Research*. 1 (37). 14–23. [in Persian]

Thissen, Wil A. H.; & Walker, Warren E. (2016). *Public Policy Analysis: New Developments* (Hassan Danaeefard & Hanieh Ahmadi, Trans.). Tehran: Safar Publishing. [in Persian]

Hajforoush, Ahmad (2004). The University Entrance Examination: A Barrier to Youth Knowledge. *Pazhuhesh*. 1 (31). [in Persian]

Zeraatkish, Yousef (2019). *Student Assessment and Admission Methods around the World*. Office of Education and Culture Studies, Islamic Consultative Assembly Research Center, Serial No. 16539. [in Persian]

Sobhani, Abdolreza; & Shahidi, Mehrdad (2007). Pathology of the University Entrance Examination and the Feasibility of Its Elimination in Student Admission. *Knowledge and Research in Educational Sciences*. 21 (13). 161–182. [in Persian]

Asgari, Zahra; Karshki, Hossein; & Mehram, Behrouz (2018). Psychological and Educational Consequences of Private Entrance Examination Institutes: A Grounded Theory Study. *Educational Psychology*. 14 (49). 173–202. [in Persian]

Kaveei, Behrouz; & Baghi Yazd Del, Roghayeh (2014). Attitudes of Students at Public Universities in Tehran Province toward Eliminating the National Entrance Examination and Replacing It with Academic Records. *Research in Educational Systems*. 8 (26). 71–98. [in Persian]

Motamedi, Abdollah (2006). The Impact of the University Entrance Examination on General Health, Self-Esteem, and Symptoms of Mental Disorders among Applicants Who Failed to Enter University. *Research and Planning in Higher Education*. 12 (2). 55–72. [in Persian]

Asadpour, Majid; & Mousavi, Seyed Jalal (2024). Strategies for Achieving Effective Governance in the Student Assessment and Admission System. *Higher Education Letter*. 17 (68). 140–159. [in Persian]

Ghanbari, Amin; Amiri, Mojtaba; & Abbasi, Tayyebeh (2020). Evaluation of Student Admission Policy in Iran from the Perspective of Justice. *Public Policy*. 6 (2). 95–114. [in Persian]

Fathabadi, Jalil; Shelani, Bita; & Sadeghi, Saeed (2017). Investigating the Impact of the National University Entrance Examination on Iranian Students and Families. *Cultural Psychology*. 1 (2). 49–71. [in Persian]

Fathi, Jafar (2019). Policy Analysis of the Student Assessment and Admission System in Iran's Higher Education Institutions. *Studies in Psychology and Educational Sciences*. 5 (1). 152–164. [in Persian]

Mousavi, Seyed Jalal; Asadpour, Majid; & Soozanchi Kashani, Ebrahim (2023). Identifying the Challenges of the Student Assessment and Admission System: Implications for School, Family, and University. *Iranian Higher Education*. 15 (3). 20–42. [in Persian]

Fathtabar Firouzjaei, Kazem; & Mohammadi Pouya, Sohrab (2024). Explaining the Challenges of Student Assessment and Admission in Iran's Higher Education System. *Research in Teaching Methods*. 2 (5). 92–118. [in Persian]

Fathtabar Firouzjaei, Kazem; Shojaati, Ali; Shahram, Iman; & Khademi, Fatemeh (2021). Pathology of the Current Student Assessment System with a Focus on the National University Entrance Examination and Proposing a Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study). *Educational Research*. 8 (42). 49–77. [in Persian]

Zeraatkish, Yousef (2020). *Investigating the Factors Affecting the Inefficiency of Student Assessment and Admission in Iran*. Expert Report, Serial No. 17086. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center, Deputy for Social and Cultural Research, Office of Education and Culture Studies. [in Persian]

Nasiri, Hossein (2025). *The Necessity of Reviving the Role and Position of the Student Assessment and Admission Council in the Decision-Making Process of the National University Entrance Examination*. Supervisory/Strategic Report, Serial No. 27020568. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center, Office of Education and Culture Studies, Higher Education Group. [in Persian].